

بازخوانی روایی تولید بنزین در پالایشگاهی که ۸ سال نیمه‌کاره ماند | جسورانه و غیر ممکن



پس از پذیرش قطعنامه و پایان جنگ تحمیلی، در سفری که مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به‌عنوان جانشین فرمانده کل قوا به اتفاق وزیر نفت و جمعی از مدیران ارشد نفتی و نظامی به منطقه داشتند، در بازدید از پالایشگاه آبادان به صراحت دستور دادند این پالایشگاه ۶ ماهه بازسازی و وارد چرخه تولید شود که در این ارتباط یکی از مجله‌های معروف بین‌المللی با تیتراژ «ادعای جسورانه هاشمی» در کنار تصویر مرحوم هاشمی رفسنجانی انجام چنین کاری در مدت ۶ ماه را غیرممکن دانست، اما بازسازی پالایشگاه آبادان از آثار جنگ تحمیلی و ازسرگیری تولیدش کمتر از ۶ ماه پایان یافت و غیرممکن‌ها به ممکن تبدیل شد. امروز نیز تاریخ تکرار و غیرممکن‌ها هم ممکن شده است و در شرایط تحریم و جنگ اقتصادی، در تولید فرآورده‌های مورد نیاز کشور خودکفا و تبدیل به صادرکننده بنزین شده‌ایم، اما کسانی که بی‌چشمداشت در عرصه صنعت فعالیت می‌کنند، مورد بی‌اعتمادی و نقدهای سیاست‌زده و غیرمنصفانه نه بیگانگان، که هموطنانی قرار می‌گیرند که خود در شرایطی بسیار هموار، پروژه‌هایی همچون ستاره خلیج فارس را هشت سال معطل نگه داشتند.

احمد ادیب، در مدت هشت سال دفاع مقدس به‌عنوان یکی از فرماندهان و مسئولان نظامی در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مشغول به کار بوده است. وی بعدها به صنعت نفت می‌پیوندد و در فاصله سال‌های ۹۳ تا ۹۶ مدیرعامل پالایشگاه ستاره خلیج فارس بوده است. در گفت‌وگو با وی بازخوانی روایی داشته‌ایم از آنچه بر پالایشگاه ستاره خلیج فارس گذشت تا آن زمان که با تولید نزدیک ۵۰ درصد بنزین کل کشور، در تولید این فرآورده خودکفا و صادرکننده بنزین شدیم. ادیب به‌دلیل سال‌ها تجربه کاری در مسئولیت‌های نظامی و صنعتی گفته‌های ارزشمندی درباره حقایق آنچه در این پالایشگاه گذشته است، وضع پالایشگاه‌های کشور و تولید فرآورده از گذشته‌های دور در زمان جنگ تاکنون دارد که خواندن آن نه تنها خالی از لطف نیست، بلکه قطعات گمشده ادعای

ساخت ستاره در دولت‌های گذشته را در آن می‌توان پیدا کرد.

شما در فاصله سال‌های ۹۳ تا ۹۶ به‌عنوان مدیرعامل پالایشگاه ستاره خلیج فارس فعالیت می‌کردید، یعنی درست زمانی که اوج شکوفایی پالایشگاه ستاره خلیج فارس بود و فازهای سه‌گانه پالایشگاه یکی پس از دیگری تکمیل و به تولید و بهره‌برداری رسید. پیشینه حضور شما در صنعت نفت به چه سالی بازمی‌گردد؟

همکاری‌های اولیه من با صنعت نفت به سال‌های ۶۰ تا ۶۲ می‌رسد؛ زمانی که به ضرورت باید چند خط لوله در مناطق نفتی اجرا می‌شد و اگرچه این پروژه‌ها نظامی بود، اما همکاران صنعت نفت آن را اجرا می‌کردند و از همان زمان من به‌طور رسمی با صنعت نفت و دوستان نفتی آشنا شدم و کارهای مشترکی انجام دادیم. در آن زمان به‌عنوان معاون وزیر سپاه و عضو شورای عالی همکاری می‌کردم. در سال ۶۰ پیش از عملیات شکست حصر آبادان، به اتفاق شهید کلاهدوز از پالایشگاه آبادان بازدید داشتیم و از نزدیک آسیب‌های وارد شده به پالایشگاه و همه بخش‌های کارگاهی را که تخریب شده و مملو از آثار گلوله‌ها و بمب‌های عمل نکرده بود، را مشاهده کردیم و چند ماه بعد هم به اتفاق شهید باقری به پالایشگاه سر زدیم که هر دو بزرگوار از حجم آسیب‌ها و توقف فعالیت پالایشگاه بسیار متأثر شدند و اینها سبب شد ما نسبت به نفت که رگ حیات کشور بود، حساس‌تر شویم، به‌ویژه درباره پالایشگاه آبادان که نخستین و قدیمی‌ترین و از مهم‌ترین پالایشگاه‌های ما بود. آن زمان ارتباطات نزدیکی هم با وزیر نفت داشتیم و نیروهای متخصص نفتی را برای گذراندن دوره خدمت از طریق صنایع دفاع به نفت مأمور می‌کردیم که بعدها بیشتر این مدیران، افراد بزرگی شدند. این همکاری نزدیک ما، میان صنعت نفت و وزارت دفاع و سپاه از سال ۶۰ آغاز شد. پس از پذیرفتن قطعنامه و اعلام آتش‌بس، مرحوم هاشمی رفسنجانی، به‌عنوان جانشین فرمانده کل قوا به منطقه آبادان سفر کردند که مهم‌ترین بخش از سخنرانی ایشان این بود که ما باید این پالایشگاه را ۶ ماهه بازسازی و راه‌اندازی کنیم و همان زمان یکی از مجله‌های تخصصی نفتی مطرح بین‌المللی عکس مرحوم هاشمی را با تیتر «ادعای جسورانه هاشمی ... غیرممکن!» روی جلد خود منتشر کرد؛ ادعایی که البته بعدها به حقیقت پیوست.

هم‌زمان با این بازدیدها آقای مهندس صالحی‌فروز که از همکاران و دوستان قدیمی و مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی بود، با من تماس گرفت و گفتند که ما برای بازسازی پالایشگاه خیلی مشکل داریم و کارشناسان نظامی برای پاکسازی پالایشگاه حداقل سه

ماه زمان خواسته‌اند، اما آقای محسن رضایی، فرمانده وقت کل سپاه، شما را برای کمک در این امر معرفی کرده‌اند و این چنین شد که ۱۲ نفر از دوستان تخریبچی لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله تهران و نفراتی از دیگر شهرها را به پالایشگاه آبادان اعزام و ظرف ۱۵ روز معادل ۱۰ کمپرسی ولو، مواد منفجره عمل نکرده از سطح پالایشگاه جمع‌آوری کردند که بعدها این مواد منفجره در بیابان‌های حوالی اندیمشک و شوش از بین برده شد و این در حالی بود که بیشتر این عزیزان از یک ناحیه قطع عضو بودند و برای پاکسازی پالایشگاه ابتدا شهادتین خواندند. حجم مواد منفجره بسیار زیاد بود و بسیاری از این مواد در قسمت انتهایی مخازن سوخته شده و بین موادی که در اثر گرما مثل قیر سفت شده بود، مانده بودند، کار بسیار سخت و سنگینی بود که حساسیت بالایی داشت، اما سرانجام با توکل به خدا و تلاش این عزیزان در مدت کوتاهی انجام شد، به‌طوری که ابتدا مدیر وقت پالایشگاه باور نمی‌کرد و البته هیچ کجا هم نامی از این عزیزان و اقدام شجاعانه آنها برده نشد.

آن زمان آقای احمدیان مدیرعامل پالایشگاه تهران بود و تعداد دیگری از مدیران وقت نفت از جمله آقایان مهندس ابراهیمی و آقای کسایزاده از پالایشگاه اصفهان، همچنین آقای کاظمی، مدیرعامل پیشین شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی و دوستان دیگر پالایشگاه‌های کشور بسیج شدند و یکی از بزرگ‌ترین اتفاقات تاریخ انقلاب را که همین بازسازی پالایشگاه آبادان بود، رقم زدند که البته بسیار کم درباره آن صحبت شده است.

بازسازی پالایشگاه آبادان در حقیقت هنری صنعتی در منطقه نظامی بود و تنها با قدرت عشق و علاقه این کار ناممکن ممکن شد، فعالیت در آنجا مشابه فعالیت در خط مقدم بود. به حق کار بسیار عظیمی انجام شد، آن هم در مدت کمتر از ۶ ماه، کاری که بی‌گمان هیچ کشوری قادر نبود این کار را ظرف مدت ۶ ماه به سرانجام برساند و سرانجام مشعل پالایشگاه آبادان در ۲۲ بهمن سال ۶۷ روشن شد و پالایشگاه در روز ۱۲ فروردین سال ۶۸ توسط مقام معظم رهبری (که در آن زمان رئیس‌جمهوری بودند) با افتخار افتتاح شد و ایشان از بازسازی پالایشگاه در این مدت کوتاه به‌عنوان یک معجزه یاد کردند.

واقعیت این است که بچه‌های صنعت نفت در زمان جنگ کارهای بسیار عظیمی کردند که کمتر به آنها پرداخته می‌شود، اما به همت ایرانی همه این غیرممکن‌ها ممکن شد. خوب به خاطر دارم که پالایشگاه اصفهان را بمباران کرده بودند و آقای میرقادری (که در سال‌های اخیر

مدیرعامل پالایشگاه آبادان بودند) آن جا در حال بازسازی بودند که دوباره بمباران شد، اما نگذاشتند تولید پالایشگاه متوقف شود، آن هم در شرایطی که دشمن قصد داشت با بمباران زنجیره‌ای پالایشگاه‌ها، جریان تولید سوخت در پالایشگاه‌های کشور را متوقف کند.

یکی دیگر از این افتخارهای صنعت نفت، حفظ و نگهداری خارک است که با وجود بمباران‌های فراوان هیچ‌گاه صادرات نفت تعطیل نشد و صادرات این کالای راهبردی در سخت‌ترین شرایط ادامه داشت و همه اینها به همت و غیرت کارکنان صنعت نفت بود که از جان و زندگیشان گذشتند. وقتی ما رشادتهای خلبان‌ها را در فیلم اچ ۳ مبینیم، واقعیت‌ها بیشتر نمایان می‌شود. امروزه تحولات نظامی مهم ما در مدت جنگ تحمیلی در دانشگاه‌های نظامی کشورهای دیگر تدریس می‌شود. این که رزمندگان غیور ما چگونه خرمشهر را آزاد کردند یا عملیات حمله به پایگاه الولید در مرز کشور اردن در دانشگاه‌های هوایی جهان تدریس می‌شود و شاید به این افتخارات توجه نشد. در این عملیات ما از حریم هوایی سه کشور متخاصم گذشتیم و عملیات هوایی انجام دادیم. شوخی نیست که شما با تعدادی هواپیمای جنگی از آسمان سه کشور عبور کنید تا به هدف خود برسید و باید بگویم عملیات بازسازی پالایشگاه آبادان در بخش صنعت به اندازه بمباران پایگاه الولید اهمیت داشت.

پس از پایان جنگ تحمیلی من از فرمانده سپاه درخواست کردم که اجازه دهند به حوزه صنعت بازگردم که ابتدا قرار بود مسئولیت پروژه ایران - ژاپن را عهده‌دار شوم، اما هم‌زمان در نشستی خدمت مرحوم هاشمی رفسنجانی بودیم و درباره پالایشگاه قطران - که در شمال پروژه ذوب‌آهن اصفهان قرار دارد - صحبت شد که این پالایشگاه از سال‌ها پیش از انقلاب مانده و معضلی شده و مسائل زیست‌محیطی زیادی ایجاد کرده است و از آنجا که من پیش از انقلاب با ذوب آهن همکاری داشتم و از وضع پالایشگاه قطران مطلع بودم، مقرر شد به جای پروژه ایران - ژاپن، مسئولیت اجرای پالایشگاه زغال‌سنگ قطران را عهده‌دار شوم که با عنایت الهی با همکاری تعدادی از همکاران نفتی از شرکت‌های مختلف نفتی، پالایشگاه بسیار باکیفیتی ساخته شد که بنا بر گزارش جمعی از صاحب‌نظران صنعتی و نفتی در خاورمیانه نمونه است.

با توجه به تجربه مدیریتی شما در فازهای ۴ و ۵ پارس جنوبی، نحوه پیشرفت این طرح و فعالیت شما در دوره پیشین وزارت آقای زنگنه چگونه بود؟

تکمیل عملیات اجرایی پالایشگاه قطران، همزمان شد با فعال شدن میدان گازی پارس جنوبی که پس از بازگشت آقای مهندس صالحی فروز از کانادا (که در آن موقع نماینده شرکت نفت در کبک کانادا بود) ابتدا به عنوان مشاور مدیرعامل و سپس مجری طرح در فازهای ۴ و ۵ پارس جنوبی همکاری داشتیم که به لطف الهی با وقت‌گذاری بسیار ویژه شخص آقای مهندس زنگنه (که سبب افزایش روحیه ما می‌شد و هر زمانی از شبانه‌روز نیز لازم می‌شد، در تماس بودیم) مهم‌ترین مشکلات پروژه با حضور ایشان حل می‌شد و پس از طرح تولید زودهنگام پروژه و مطرح شدن آن در نشست هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران با حضور جناب آقای مهندس زنگنه، این طرح خوشبختانه تصویب و سبب شد پروژه‌ای که سه ماه از برنامه عقب بود، زودتر از زمان موردنظر به بهره‌برداری برسد و همین تولید زودهنگام، تحول خوبی در پروژه ایجاد کرد و حدود ۸۰۰ میلیون دلار میعانات گازی فروخته شد. در اواخر بهمن ۸۳ در نشستی که خدمت آقای زنگنه بودم، به ایشان گفتم تا ۴۸ ساعت آینده مجبور خواهیم شد فعالیت تعدادی از چاه‌ها را متوقف کنیم که ایشان بسیار برآشفته شدند و گفتند برای چه؟ توضیح داده شد مخازن میعانات گازی به‌طور کامل در حال پر شدن است و دیگر نمی‌توانیم آن را نگهداری کنیم. جناب وزیر در همان لحظه با آقای غنیمی‌فرد، مدیر امور بین‌الملل وقت تماس گرفتند که خیلی سریع مخازن را بارگیری و تخلیه کنید، به‌طوری که یک ساعت هم چاه‌ها نباید بسته باشد، سپس با دو سه نفر از مدیران دیگر هم تماس گرفتند که من متوجه نشدم چه کسانی بودند و همان‌جا بود که بنده شنیدم (احتمالا به مدیر برنامه‌ریزی وقت) گفتند ساخت پالایشگاه تسریع شود و تأکید کردند راه برون‌رفت از این مسئله، ساخت پالایشگاه برای پالایش میعانات گازی است. با این حال متأسفانه امروز افرادی از روی بی‌اطلاعی می‌گویند ایشان مخالف پالایشگاه‌سازی بوده، اما توضیح نمی‌دهند چه پالایشگاهی، در حالی که ایشان بر تسریع ساخت پالایشگاه میعانات گازی از سال ۸۳ تأکید بسیار داشته‌اند.

دلایل این مخالفت چه بود؟ ساخت پالایشگاه میعانات گازی به‌صرفه‌تر است یا نفت خام؟

ساخت پالایشگاه نفت بسته به مقدار ظرفیت آنها، حدود چند میلیارد یورو هزینه دارد. این در شرایطی است که پالایشگاه‌های میعانات گازی با هزینه بسیار کمتر ساخته می‌شود و بازدهی اقتصادی و محیط زیستی بیشتری خواهد داشت. در همین ارتباط، اینکه گفته‌اند آقای زنگنه با ساخت پالایشگاه مخالف بوده‌اند، در همین نکته است، زیرا این تصمیم

مدبرانه و عاقلانه‌ای بوده، زیرا اگر در کشور به هر دلیلی نخواهیم یا نتوانیم نفت صادر کنیم، تنها درآمد کمتر می‌شود، اما اگر میعانات صادر نکنیم، مجبور می‌شویم فعالیت تعدادی از چاه‌های گازی را متوقف کنیم که این موضوع با توجه به وابسته بودن به شبکه گاز خانگی و سامانه‌های گرمایشی و کارخانجات به گاز، غیرممکن است و ما نمی‌توانیم گاز را قطع کنیم، بنابراین باید گاز تولید کنیم و گاز هم همراه با میعانات گازی است که بهترین راه آن ساخت پالایشگاه و پالایش این ماده ارزشمند است، بنابراین ما باید گاز تولید کنیم، در حالی که نفت این‌گونه نیست.

نکته دوم اینکه هزینه ساخت یک پالایشگاه نفتی از یک پالایشگاه میعانات گازی مشابه، خیلی بیشتر است و اگر ما بتوانیم از میعانات گازی که مقدار بسیار زیادی از آن تبدیل به بنزین می‌شود، استفاده کنیم، چرا باید به سمت ساخت پالایشگاه نفتی برویم، ضمن اینکه کشور باید در آینده نزدیک به سمت سوخت‌های پاک برود. این در حالی است که در پالایشگاه‌های نفتی مقدار زیادی مازوت تولید می‌شود. شما اکنون ببینید پالایشگاه آناهیتا سال‌هاست می‌خواهد ساخته شود، اما به دلیل مشکل تأمین بودجه همچنان معطل و بلا تکلیف مانده است. وزارت نفت هم طبق قانون دیگر متولی پالایشگاه‌سازی نیست، با این حال مهندس زنگنه برای پیشبرد این پروژه خیلی همکاری کرده‌اند و حتی برای خوراک این پالایشگاه تخفیف در نظر گرفتند و قرار شد ۱۰ درصد ارزان‌تر تحویل شود، اما باز هم سهامداران تاکنون نتوانسته‌اند هزینه ساخت پالایشگاه را تأمین کنند.

شما به فاز ۴ و ۵ پارس جنوبی و وضع پیشرفت این پروژه اشاره کردید، ایده اولیه ساخت پالایشگاه ستاره خلیج فارس، از کجا شکل گرفت و چگونه و در چه برهه زمانی عملیاتی شد؟

بله فاز ۴ و ۵ سه ماه زودتر از موعد به تولید رسید و توسط آقای خاتمی، رئیس‌جمهوری وقت در ۲۷ فروردین سال ۸۴ افتتاح شد، این در حالی بود که ما از آذرماه با مقدار کم تولید را آغاز کرده بودیم که خوشبختانه به مرور به ظرفیت اسمی رسید و تولید میعانات گازی در این فازها رکورد روزانه ۹۰ هزار بشکه را ثبت کرد و برای نخستین بار بحث ساخت یک پالایشگاه میعانات گازی از همان زمان مطرح شد و مدیران و مسئولان ذی‌ربط تصمیم گرفتند با توجه به نیاز کشور به فرآورده در این زمینه سرمایه‌گذاری انجام شود، بنابراین اقدام‌های اولیه ساخت پالایشگاه ستاره خلیج فارس در همان زمان وزارت آقای زنگنه مطرح و در سال ۱۳۸۳ مطالعات امکان‌سنجی و طراحی اولیه

توسط شرکت ایرانی طراحی و ساختمان نفت (ODCC) و شرکت هندی EIL آغاز شد و متعاقب آن شرکت نفت ستاره خلیج فارس در دی ماه ۸۵ با امضای قراردادی بین شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده های نفتی ایران با سهم ۴۰ درصد و SPS اندونزی با سهام ۵۰.۱ درصد و صندوق بازنشستگی کارکنان صنعت نفت با ۹.۹۹ درصد به طور رسمی ثبت شد.

در اردیبهشت ۸۶ مشارکتی با عنوان گلدن گروپ از آلمان، اسنم پروجتی از ایتالیا و شرکت های ایرانی تهران جنوب و بینا به صورت یک کنسرسیوم ای پی سی آغاز به کار کرد، اما با توجه به مسائل جهانی و فشارها پس از چند ماه این شرکت های خارجی کار را رها کردند و شرایط نامناسب شد و به اجبار شرکت تهران جنوب و بینا با سهام ۶۰/۴۰ به صورت ای پی سی کار را آغاز کردند تا اینکه در بهمن ۱۳۸۹ قرارگاه سازندگی خاتم الانبیا از طریق شرکت فرادست انرژی فلات به عنوان رهبر با ۹۰ درصد سهام و شرکت تهران جنوب با ۶ درصد و شرکت بینا با سهم ۴ درصد سهم کار خود را ادامه دادند و با پیشرفت فیزیکی ۳۸ درصد و معادل یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون یورو پروژه را تحویل دادند.

پیشرفت فیزیکی پالایشگاه ستاره خلیج فارس در دولت های نهم و دهم چه مقدار بود و در چه شرایطی به دولت یازدهم تحویل شد؟

بر اساس بررسی و بازدیدهای میدانی و مدارک موجود در واحد کنترل پروژه شرکت، همه عملیات اجرا شده تا پایان شهریور ۹۲ در پالایشگاه شامل احداث مخازن و ساختمان های صنعتی و پایپک و... حدود ۵۸ درصد در کل پروژه شامل سه قسمت پالایشگاه، آبگیر و خط لوله انتقال میعانات از عسلویه به بندرعباس معادل ۶۳.۷ درصد بوده است که طبق بررسی های انجام شده بیشترین پیشرفت در بخش آبگیر و خط لوله بوده است؛ اجرای چنین پروژه ای به عنوان یک مگا پروژه با حجم سنگین و در آن سطح، به مدیریتی متمرکز و هماهنگ بودن سهامداران نیاز داشت که بر اساس گزارش هایی که مدیران پیشین ارائه کردند، اختلاف نظر ها، ناهماهنگی میان مدیران و پیمانکاران و کارآیی نداشت پیمانکاران و نبود اطمینان از صحت کار آنان، از جمله دلایل پیشرفت نکردن پروژه در دولت نهم و دهم بوده است و به هر حال وضع پروژه طوری شده بود که حاشیه زیادی برای آن به وجود آمده بود. در شرایطی که حدود ۲ میلیارد یورو هزینه شده بود، از یک طرف عده ای می گفتند اجرای آن اقتصادی نیست و از طرف دیگر از سال ۹۲ میعانات گازی با هزینه بالای نگهداری، روی دست ما مانده بود و کسی نبود بگوید چرا در این هشت سال، کسانی که هم دستشان باز بود و به اندازه کافی

پول در اختیار داشتند، کارها پیشرفت نداشته است.

در آن زمان مشکل برای صادرات میعانات نبود، اما در دولت یازدهم، امکان فروش و صادرات آن به دلیل وضع تحریم‌های جدید با مشکل جدی مواجه شده بود، وقتی که من به‌عنوان مدیر پروژه مشغول به کار شدم، با تماس با مدیران پیشین در پی یافتن دلایل توقف کار در این هشت سال شدم که مهمترین مورد زمانی برای من مشخص شد که در ملاقات با یکی از مقام‌های عالیرتبه دولت نهم، از ایشان با توجه به این که در جریانات جزئیات مسئله بودند، دلایل پیشرفت نداشتن پروژه را جویا شدم که سرانجام نظر ایشان این بود که به‌دلیل صدور میعانات گازی و این که میعانات گازی جزء صادرات غیرنفتی است، به پروژه توجه لازم انجام نشد. یعنی متأسفانه آن‌طور که لازم بوده کسی احساس مسئولیت نمی‌کرده و به‌طور طبیعی پیمانکار هم بدون دریافت مبالغ موردنیاز قادر نبوده است کار را ادامه دهد. طرح این واقعیات قابل‌توجه کسانی است که بدون تقوا درباره پروژه‌ها اظهارنظر می‌کنند.

روند پیشرفت پروژه در دولت یازدهم چه گونه بود و چه اتفاقاتی در این دولت بر این پروژه گذشت؟

هفتم اردیبهشت سال ۹۳ نشستی خدمت آقای زنگنه برگزار شد که در آن نشست ایشان صحبت‌های مهمی را مطرح کردند و من شاهد بودم که چقدر این پروژه برای وزیر اهمیت داشت. مهم‌ترین مسئله این بود که ایشان تأکید می‌کردند «اینکه همه می‌گویند پول نیست تا این پروژه اجرایی شود، به‌هیچ وجه مشکل اصلی نیست و تعهد و دلسوزی و کاردانی لازم است و مسئله پول حل خواهد شد، چرا باید با این همه منابع، بنزین به کشور وارد کنیم؟ ما در صادرات میعانات گازی مشکل داریم، این پالایشگاه را هم داریم، بنزین هم نیاز داریم و بار سنگین این کمبود بنزین ناخودآگاه بر دوش مردم است» و تأکید کرد که «شما مطمئن باشید همه عوامل اجرایی مملکت همکاری خواهند کرد و پول هم جور خواهد شد، دولت کمک خواهد کرد، بانک‌ها کمک خواهند کرد، نگران نباشید و آنجا را سازماندهی کنید و افراد دلسوز و کاردان را بر مسند کار بگذارید و پیمانکار قوی بالای سر پروژه باشد و...» ایشان سرانجام به من گفتند فعالیت در پالایشگاه ستاره خلیج‌فارس با توجه به مشکلات عدیده و کلافه‌های سردرگمی که برای این پروژه به‌وجود آمده است، کم از میدان جهاد نیست و شما اگر در جنگ به شهادت نرسیدی، آنجا به‌طور حتم شهید خواهی شد (کنایه از اجر بالای این کار)؛ اما خود را آماده کن و به خاطر خدا وارد این میدان شو. این در شرایطی

بود که پالایشگاه چند مدیر عوض کرده بود، همه مسئولان مملکتی و استانی راجع به آن اظهارنظر می‌کردند، شرایط عجیب و حاشیه‌های زیادی بر آن گذشته بود؛ همه دخالت می‌کردند و نفت فقط مسئولیت جوابگویی داشت و به هیچ‌وجه قصد نداشتیم این مسئولیت را قبول کنم. بلافاصله یاد سال ۸۳ افتادم که ایشان در نشستی گفتند راه بروی رفت از این وضع این است که ما زودتر پالایشگاه بسازیم، این بود که سرانجام زمانی که دیدم وزیر این‌چنین علاقه‌مندانه، مسئولانه و دلسوزانه به من توصیه کردند که هر کاری داری زمین بگذار و برو، آن دلسوزی و غیرت و حمیت فردی ایشان من را تحت تأثیر قرار داد و نتوانستم نه بگویم و رفتم.

قرارگاه خاتم‌الانبیاء (ص) از طریق شرکت نفت فلات قاره ایران در بندرعباس فعال بود، من هم با فرمانده قرارگاه دوستی نزدیک داشتیم و چنین شد که مشکلات شرکت مجری را به فرمانده قرارگاه به‌عنوان یک دوست طرح کردم و گفتم شرایط چنین و چنان است و انصافاً سردار عبدالحی در آن زمان اظهار محبت کرد و من آقای دوستی را به‌عنوان مسئول پروژه معرفی کردم و قرارگاه سبب افتخار شد و در همه این مدت از همان روز نشست با وزیر تا بهره‌برداری از فاز یک، آقای مهندس زنگنه با همه توان برای این پروژه وقت می‌گذاشتند و حتی با وجود تعدد کارهای دیگر، یک بار هم با درخواست‌های ما برای حضور ایشان در محل و رفع مشکلات پروژه مخالفت نکردند و شخص ایشان برای رفع موانع پروژه، نشست‌های متعددی با رئیس کل بانک مرکزی، صندوق توسعه ملی و بانک ملت برگزار می‌کردند و همین حمایت‌ها و پیگیری‌های فوق‌العاده و وقت‌گذاری‌های شخصی ایشان و هماهنگی‌های خوبی که با قرارگاه برقرار شده بود، سبب شد پروژه حرکت کند، به‌طوری که ما به لطف الهی در مردادماه سال ۹۵ در عین ناباوری همگان، واحد تقطیر را راه‌اندازی کردیم.

به یاد دارم وقتی این خبر به آقای زنگنه رسید، با توجه به اینکه پیش‌تر عده‌ای گفته بودند نباید این واحد راه‌اندازی شود و پالایشگاه منفجر می‌شود و... به نحوی که ایشان ابتدا ناراحت شدند که چرا چنین کردید؟ اما وقتی آقای جهانگیری آمد و واحد تقطیر را به‌طور رسمی افتتاح شد و ایشان در مراسم افتتاح گفت من در بازدیدهای پیشین اینجا را یک ویرانه می‌دیدم، اما خوشبختانه امروز با تولید گازوئیل و نفتا مقدمات تولید بنزین فراهم شده است، بنابراین بدون حب و بغض خاص به جرأت می‌گویم اگر وقت‌گذاری و دلسوزی‌های واقعی شخص ایشان نبود، این کار این‌گونه پیشرفت نمی‌کرد و من بارها به ایشان

گفتم در حقیقت شما مجری این پروژه بودید، زیرا ایشان دقیقاً می‌دانستند چه می‌کنند و مسیر برایشان شفاف بود و می‌دانستند که اگر به بنزین نرسیم، در سال‌های آینده چه لطمه بزرگی به کشور وارد خواهد شد! در حالی که آن روز شاید کمتر کسی می‌توانست تصور کند مصرف بنزین ما در داخل کشور تا یکی دو سال بعد به روزانه ۱۰۰ میلیون لیتر برسد و اگر این پروژه به سرانجام نمرسید، چطور می‌توانستیم این حجم از مصرف روزانه را تأمین کنیم؟ آن هم در شرایطی که بنزین در کشور ما یک کالای راهبردی محسوب می‌شود و ما مجبور می‌شدیم دست به سوی کشورهای دیگر دراز کنیم، اما افتتاح این پروژه نه تنها ما را از واردات بنزین بی‌نیاز کرد، بلکه به لطف خدا کار بزرگی انجام شد که سبب افتخار ملی شد، اما بسیار جای تأسف است که عده‌ای به جای قدردانی از این زحمات ارزشمند، به دنبال حاشیه‌سازی و بهره‌برداری سیاسی هستند. این در حالی است که هرکس که بر مسند کاری قرار می‌گیرد، ممکن است در کارش اشکالاتی هم به وجود آید. بی‌عیب خداست، اما ای کاش به جای زیر سؤال بردن یکدیگر، منصفانه و متقیانه به قضاوت بنشینیم.

خوشبختانه با راه‌اندازی واحد تقطیر در مردادماه ۹۵ و تولید نفتا و گازوئیل، دید کلی نسبت به پالایشگاه تغییر کرد و قرار بود که تا بهمن ماه سال ۹۵ به تولید بنزین دست یابیم که به دلیل تحریم‌ها، یکی از دستگاه‌ها وارد نشد که تا آخر سال به طول انجامید اما در فروردین‌ماه، تولید بنزین با ظرفیت کم، اما با استاندارد یورو ۴ به آقای وزیر گزارش شد و ایشان گفتند که واحد را به ظرفیت برسانید که ان‌شاءالله پیش از ۳۱ فروردین پالایشگاه را افتتاح کنیم و این‌طور شد که روز دهم اردیبهشت سال ۹۶ به دلیل دو مناسبت ارزشمند ولادت امام حسین (ع) (سوم شعبان) و روز ملی خلیج فارس، انتخاب شد و پالایشگاه به‌طور رسمی توسط رئیس‌جمهوری افتتاح شد و آقای زنگنه گفتند اگر با ظرفیت کامل ۱۲ میلیون لیتر تولید کنیم، جلو واردات بنزین را خواهیم گرفت. آن زمان مصرف داخلی ما روزانه ۷۵ میلیون لیتر بود که خوشبختانه تا پیش از پایان خردادماه، واحد به ظرفیت اسمی رسید. مدیریت عالی شخص آقای صادق‌آبادی به‌عنوان معاون وزیر در امور پالایش و پخش نیز تاثیر بسیار مهمی در این پروژه داشت که با حضور هفتگی مستمر در پالایشگاه و پیگیری‌های شخصی، مشکلات پیش روی فازهای ۲ و ۳ پالایشگاه را برطرف کردند و بحمدالله این دو فاز در زمان مقرر بدون افزایش بودجه راه‌اندازی و افتتاح شد و افزون بر آن پس از راه‌اندازی فازهای ۲ و ۳ ظرفیت هر سه فاز و هر فاز روزانه از ۱۲۰ هزار به ۱۵۰ هزار بشکه افزایش

دادند که این مسئله خود یک حرکت انقلابی و مدبرانه تلقی و افزون بر افزایش قابل توجه ظرفیت بنزین، کشور را از خطر توقف تولید گاز برای همیشه نجات دادند که اقدامی بسیار ارزشمند و درخور قدردانی است.

تحریم و برجام بر روند اجرای این پروژه چه آثاری داشت؟

همانطور که گفتم تحریم‌های ظالمانه مشکلات عدیده‌ای برای پروژه‌ها واحدهای تولیدی صنعت نفت از جمله پالایشگاه ستاره خلیج فارس ایجاد کرده بود که مهم‌ترین آن تأمین تجهیزات اصلی بود و ما در اجرا با مشکلات عظیمی روبه‌رو شدیم، برای نمونه در حالی که پول کمپرسور را به شرکت آلمانی زیمنس پرداخت کرده بودیم و ساخته شده بود، تجهیز حمل نشده بود که خوشبختانه به محض امضای برجام، آقای زنگنه بلافاصله مدیر شرکت زیمنس را دعوت کردند و در نشست مشترک مقرر شد تجهیزات تحویل پروژه شود که به لطف خداوند و پیگیری آقای زنگنه، کمپرسورها که برای پروژه بسیار حیاتی بود، وارد شد و با حضور نمایندگان زیمنس نصب و راه‌اندازی شد. یکی دیگر از مواردی که مشکلات زیادی ایجاد می‌کرد، نبود امکان نقل و انتقال پول بود که پس از برجام سرانجام با شرایطی برای یک مدت حل و فصل و در کار پروژه تسریع شد.

به‌صورت کلی سیاست‌های وزارت نفت در صنایع پالایشی و نیز ایجاد توازن بین صنایع نفت، گاز، پالایش و پتروشیمی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ سیاست‌های تنظیم سبد سوخت و جایگزینی سران‌جی با بنزین چه آثاری در سبد سوخت کشور داشته است؟ وزارت نفت تا چه حد در این زمینه موفق عمل کرده است؟

برای تنظیم سیاست‌های سبد سوخت در کشورهایی که گاز دارند، سیاست‌گذاران فنی دو طرح پیاده می‌کنند، یا از گاز برق تولید می‌کنند و برق را در اختیار مردم قرار می‌دهند، یا اینکه شبکه توزیع گاز مایع و گاز را توسعه می‌دهند که با توجه به زیرساخت‌ها و شرایط موجود، در کشور توسعه شبکه گازرسانی اجرا شد و من تا جایی که در نشست‌ها حضور داشتم و از نزدیک شاهد بودم، در سال‌های گذشته تحولاتی شگرف در کشور ایجاد شد و بسیاری از مناطق کشور گازرسانی شد، خط لوله‌های اساسی و طولانی کشیده شد و به همه نقاط کشور گاز انتقال داده شد که عمده آنها در دولت آقای خاتمی اجرا شد و در دولت‌های بعد ادامه یافت و به‌ویژه در دولت یازدهم این کار شتاب گرفت و برای بخش‌های سخت‌گذر و کوهستانی تصمیم گرفتند مرکزی ایجاد

کنند تا مخازن ذخیره گاز مایع بگذارند و از آنجا توزیع شود و همه اینها تحول بزرگی بود که ایجاد شد، اما وقتی نعمت الهی در اختیار ما قرار دارد، به مسائل دیگر فکر نمی‌کنیم و بسیاری نمی‌دانند این گازی که به خانه‌های ما رسیده و در دسترس همگان به‌عنوان سوخت گرمایشی، پخت و پز و سوخت خودرو قرار گرفته است و به راحتی به دست ما می‌رسد گاه از چاه‌هایی تا عمق ۵ هزار متری زیرزمین برداشت و چقدر برای آن مرارت کشیده شده است و من معتقدم در مجموع وزارت نفت در مقایسه با دیگر پروژه‌ها در کشور، خیلی موفق عمل کرده است، اگرچه امروز به‌دلیل شرایط سیاسی و اقتصادی و... مشکلاتی برای مردم به‌وجود آمده است، اما صادرات بنزین برای کشور ما یک عزت و یک قدرت و توان و یک برگ برنده است که دنیا روی آن حساب می‌کند؛ خوشبختانه امروز پالایشگاه ستاره خلیج فارس، حجم بسیار بالایی، معادل نصف تولید کل پالایشگاه‌های کشور بنزین یورو ۵ تولید می‌کند.

سیاست‌های کلی صنایع پالایشی وزارت نفت و کشور باید به چه سمت و سویی حرکت کند؟

ما باید در این باره از تجربه و توانمندی به‌دست‌آمده از بازسازی پالایشگاه آبادان در سال ۶۷ و احداث پالایشگاه ستاره خلیج فارس به‌عنوان الگو برای دیگر پروژه‌ها استفاده کنیم. در پالایشگاه ستاره خلیج فارس بیش از ۷۰ درصد این پروژه از ساخت و اجرا و تأمین تجهیزات با بهره‌گیری از توانمندی داخلی انجام شده است و نیروهای جوان و متخصص و مدیران بسیاری در این پروژه، تجربه‌های ارزشمندی به دست آورده‌اند که باید از این ظرفیت در آینده بهره کافی را برد. اجرای طرح فراگیر پالایشی سیراف امروز از دو جهت برای کشور و صنعت نفت اهمیت دارد، یکی از جهت رشد پیمانکاران داخلی و دیگری ورود بخش خصوصی واقعی به این پروژه؛ با افزایش ظرفیتی که در پالایشگاه ستاره خلیج فارس ایجاد شده است، می‌توان در سیراف نفتا تولید کرد که بازار خوبی دارد و ما بخش قابل‌توجهی از میعانات گازی را می‌توانیم در این پروژه پالایش و به محصولات باارزش‌تر تبدیل کنیم، اگر ما روزانه بیش از یک میلیون و ۱۰۰ هزار بشکه میعانات گازی تولید کنیم، حدود ۴۵۰ هزار بشکه به پالایشگاه ستاره خلیج فارس ارسال می‌شود و مقداری نیز به دیگر واحدهای مصرف‌کننده ارسال می‌شود و حجم قابل توجهی را می‌توانیم به‌عنوان خوراک به سیراف تزریق کنیم، آن زمان تحولی بسیار بزرگی ایجاد خواهد شد و پیمانکاران بخش خصوصی ما قدرت بیشتری پیدا می‌کنند. به هر حال گاز هم یک روزی پایان می‌یابد و کارشناسان و متخصصان ذی‌ربط باید بیش از پیش،

راهکارهای ورود کشور به سوخت پاک را هر چه زودتر شناسایی و اقدامهای لازم برای تولید آن به عمل آید.

آرزو عطایی